

زکته‌ها سرگذشت‌های شنیدنی



سید جواد حسینی

اسرائیل، به بیمارستان «جبال عامل» در شهر «تیر» (Tyre) واقع در جنوب لبنان منتقل شد. در پی این ماجرا، ایوزا از پنجره طبقه چهارم بیمارستان خود را پرتاب کرد و جان خود را از دست داد.^۱

اما برخی سران کشورهای عربی ناراحت که نشدند هیچ، بلکه آخوندهای درباریشان فتوا به تحریم مقاومت دادند. راستی که باید گفت:

۱. باعث شرمندگی

یکی از اعضای کمیته بشر دوستانه ژاپن با دیدن گستره ویرانی در لبنان خودکشی کرد.

«توننی ایوزا» عضو ۵۳ ساله کمیته غیر دولتی مأموریت‌های بشر دوستانه ژاپن که جهت ارائه کمک به مردم لبنان به این کشور سفر کرده بود، خودکشی کرد.

وی در وضعیت شوک عصبی ناشی از دیدن اجساد و ویرانیهای جنوب لبنان در اثر بمبارانهای

۱. هفته نامه صبح صادق، دوشنبه ۸۵/۶/۱۶، ص ۳.

توکز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

۲. ترویج بی بند و باری

«مرد خای فرومار» خاخام
یهودی، گفت: سه راه حل برای پایان
درگیری میان اسرائیل با مسلمانان
وجود دارد و بهترین آنها نفوذ به قلب
و عقل آنهاست.

وی تصریح کرد باید سازمانهای
صهیونیستی در اسرائیل و تمام جهان،
تلاش خود را برای غیر مذهبی کردن
کشورهای اسلامی به کار گیرند؛ به
طوری که همه اصول آموزشها و تاریخ
اسلام در این کشورها از بین برود و این
اقدام را باید از طریق انتشار فرهنگ
بی بند و باری در این جوامع اسلامی
انجام داد.

این اقدامات باعث می شود تا
اسلام از قلب مسلمانان برود و جامعه
آنها به یک جامعه سکولاریستی
محض تبدیل شود.

وی افزود: ارتباط مسلمانان با
غرب را باید با جدیدترین تکنولوژی
جنسی و بی بند و باری انجام داد و در
این راه، باید از اینترنت و ترویج

فیلمهای جنسی که جوانان مسلمان را
به غرب نزدیک تر و از فرهنگ اسلامی
دورتر می کند، استفاده کنیم.

وی به رژیم صهیونیستی توصیه
می کند که اقدامات نظامی باعث
می شود تا مسلمانان به هویت اسلامی
خویش نزدیک تر شوند.

وی از این راه حل خود به عنوان
یک راه حل سحرآمیز نام برد و گفت:
باید از طریق شبکه های ماهواره ای
زنان مسلمان را به سمت آرایش کردن
و پوشیدن لباسهایی خاص تحریک
کرد تا با این روش، راهی برای تحریک
مردان مسلمان ایجاد شود.^۱

۳. دزدان کتاب

استاد حسن زاده آملی می فرمایند:
زمانی که در مدرسه مروی بودم، یکی
از آقایان روزی آمد و گفت: از امروز
تهران خبر داری؟ عرض کردم: آقا من
طلبه ام و خبر ندارم. گفت: امروز یک
هوایما کتاب خطی از تهران پرواز کرد
برای آمریکا.

اینها که پیش می آمد، استاد

۱. هفته نامه افق حوزه، ۲۰/۶/۸۵، ص ۸

رومی در مثنوی گاهی از شدت هیجان نزدیک است که به باری تعالی گستاخی کند.»

این مطلب در نظرم بود تا اینکه بعدها در تفسیر مثنوی به این شعر رسیدم که در توجیه کار حلاج می‌گوید:

بی‌ادب حاضر ز غایب خوشتر است
حلقه کج نی که آویز در است
حال آنکه این توجیه غلط است؛ زیرا در حال حضور در بارگاه ربوبی امکان بی‌ادبی نیست، بلکه حیرت و انجذاب و خشیت است. بعدها آیاتی از مثنوی دیدم که مخالف تبریته منصور حلاج بود. آنجا می‌گوید:

از خدا خواهیم توفیق ادب
بی‌ادب محروم ماند از لطف رب
بی‌ادب نی خویش را بنمود بد

بلکه آتش بر همه آفاق زد
بی‌ادب گفتن سخن را خاص حق
دل بمیراند سیه دارد ورق^۳

بزرگوارم مرحوم آقای شعرانی می‌فرمود که: ضرر و صدمه‌ای که بر معارف و فرهنگ کشور، این پدر و پسر (رضا خان و محمد رضا پهلوی) زدند، مغول نزده بودند.^۱

۴. عصمت حضرت زهرا (علیها السلام)

استاد حسن زاده آملی نوشته‌اند: نمی‌دانم در چه کتابی دیده‌ام که فخر رازی در هر مسئله‌ای از مبدأ تا معاد تشکیک نموده و اعتراض کرده است که او را امام المشککین خوانده‌اند؛ ولی در معصوم بودن سیده نساء عالمین، فاطمه بنت رسول الله ﷺ که دارای مقام عصمت بوده، تسلیم محض است که آن جناب بلامدافع معصوم بوده است و در عصمت و طهارتش جای شک و تردید نیست.^۲

۵. علامه جعفری و ندای ملکوتی

علامه جعفری (رحمته الله) می‌گوید: یک شب قبل از اذان صبح بیدار شدم و پس از خواندن نماز، برای نوشتن تفسیر مثنوی به کتابخانه‌ام که در طبقه بالا بود، رفتم. هنگام بالا رفتن از پله‌ها، صدایی شنیدم که به من گفت: «محمد تقی! حواست جمع باشد که ملای

۱. آسمان معرفت، حسن زاده آملی، ص ۱۷۰؛

نشریه نور علم، ش ۵۰-۵۱، ص ۲۷.

۲. هزار و یک نکته، حسن زاده آملی، ص ۶۰۳، به نقل از: جمع پراکنده، محسن برزگر، نشر مؤمنین، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷.

۳. ابن سینای زمان، سید محمد رضا غیائی

۶. خود سوزی کشیش آلمانی

به گزارش خبرگزاری ایکنا و به نقل از روزنامه انگلیسی تایمز، «دولاند ویز لبرگ» کشیش باز نشسته آلمانی، به دلیل انتشار روز افزون اسلام و عدم کنترل این امر توسط کلیسای پروتستان، خود را به آتش کشید. وی با حضور در دیر «اوگیستین» شهر «آیروبرت» آلمان با بنزین خودسوزی کرد. برخی از شاهدان واقعه در این باره گفتند: کشیش مذکور قبل از خودسوزی بر بالای یکی از بناهای بلند اطراف دیر رفته، فریاد زد: ای مسیح. وای اوسکار! (اوسکار کشیشی است که خود را به دلیل انتشار کمونیسم در آلمان شرقی آتش زد).^۱

۷. گفتگوی حکیم جلوه با شاه

مرحوم میرزا ابو الحسن جلوه بیمار می شود. ناصر الدین شاه با تنی چند از ارکان مملکت به عیادتش می روند. شاه می پرسد که نامت حسن است؟ مرحوم جلوه می گوید: «ابول» هم دارد [یعنی ابوالحسن، نه حسن تنها]. شاه به فکر جبران می افتد.

می بیند شیشه شربتی در کنار مرحوم جلوه قرار دارد. شاه به مطابقت می گوید: «معلوم است که آقا اهل مشروبات هم هست.» حکیم جلوه در جوابش می گوید: «الْأَشْرَابُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ.»

بعد مرحوم جلوه می گوید: روزی در خیابان دیدم نظامیان جلوی مردم را می گیرند و پی در پی امر می کنند که بروید! دور شوید! من به یکی از آنان گفتم: این میهن و مرز و بوم مردم است، به کجا بروند و چرا دور شوند؟ در جوابم گفت: شاه دارد می آید.

من به آن نظامی گفتم: از من به شاه بگوئید که شاه باید کسی باشد که به مردم بگوئید: بیایید و نزدیک شوید! شاه چه می کند که مردم باید از او دور شوند.^۲

۱. کرمانی، پارسایان، ۱۳۸۰، صص ۲۵-۲۶.

۲. افق حوزه، سال پنجم، شماره ۱۲۷، ۸۵/۸/۲۲، ص ۲.

۳. هزار و یک کلمه، حسن زاده آملی، ج ۲، ص ۴۵۷؛ جمع پراکنده، محسن برزگر، صص ۱۷۰-۱۷۱.